

چهارشنبه 23 اردیبهشت 1394

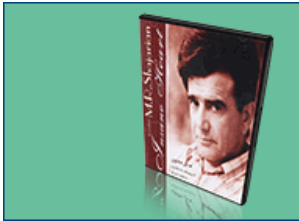
Safari Power Saver
Click to Start Flash Plug-in

تماس با ما آرشيو درباره ما آگهی العربية English

چند لحظه قبل



صفحه نخست سیاست اقتصاد فرهنگ جامعه بین الملل ورزش دانش فناوری اطلاعات طنز و کاریکاتور چند رسانه‌ای وبلاگ استان‌ها



Safari Power Saver
Click to Start Flash Plug-in

Ultra Wide Monitor
IPS 29UM65



لذت شیک بودن را با ما تجربه کنید

www.buyex.ir

برای مدت زمانی محدود

خرید آنلاین با کارت شتاب

QATAR AIRWAYS



Safari Power Saver
Click to Start Flash Plug-in

وزارت نفت

IIES

دعوت می‌کند...

مرجع خرید آنلاین بلیت

www.tik8.com

TIK8

گروه نرم‌افزاری پست

Payvast Software Group

ارائه‌کننده نرم‌افزارهای جامع اتوماسیون سازمانی در حوزه مالی، مدیریت منابع انسانی، اتوماسیون اداری

تخفیف ویژه

جهت کسب اطلاعات بیشتر تماس بگیرید

DBA-MBA

آخرین مطالب

مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: همه چیز به سرعت و میزان همکاری ایران بستگی دارد

گفتگوی تلفنی طرف و بان کی مون بلومبرگ: تعلیق تحریمها آغاز شد/ ابراس‌ها در راه تهران

رئیس‌جمهور عراق وارد تهران شد/ جزئیات برنامه دو روزه فواد معصوم به ایران

تحلیل فارت پالیسی از چرایی افت روابط آمریکا و اسرائیل

روسیا الیوم: احتمال اوج گیری تنش میان ایران و عربستان/ همه چیز به کمپ دیوید بستگی دارد

صالحی در دیدار با خبرنگاران: رو به بهبودی هستم

افخم اتهامات آمریکا علیه ایران را مردود خواند

سردار سلامی: تجاوزعربستان به یمن هیچ توجیهی ندارد

عراقچی خبر داد: ادامه کار بر روی نگارش پیش‌نویس توافق نهایی

تحلیل رونیز از تأثیر متغیر ایران بر روابط عربستان-آمریکا

اوپاما، کمپ دیوید و شیوخ بیمار

نیکولو: فرانسه سعودی را متقاعد کرد از مذاکرات حمایت کند/ سفر اولاند به ریاض پیامی برای اوپاما داشت

توهین و فریادهای تحلیلگر سعودی در مناظره با دکتر مرتضی

نیویورک تایمز: دلسردی شاه سعودی از سیاست اوپاما در قبال ایران

عراقچی: تاکنون طرف مقابل اجازه تهدید به خود نداده

نخستین نمایشگاه بین‌المللی کتاب

digikala

بررسی، انتخاب و خرید آنلاین

کولر سلولزی انرژی

کارادو هزار

www.kara2000.ir

۲۶۶۰۲۵۰۰۰۷

گوشی جدید

htc one M9

بیشتر بدانید

با سیستم عامل اندروید

از تهران تا نیویورک/خاطرات جالب روزنامه‌نگار دیپلمات /مشروح گفتگوی خبرنگاران با سید حسین موسویان



بین الملل < دیپلماسی - سید حسین موسویان، میهمان کافه خیر، از ملاقاتش با ملک عبدالله، ماجرای دستگیر شدنش در دولت احمدی‌نژاد و مناظره‌های آتشینی گفت که آمریکایی‌ها را به گریه انداخته است.

زهر خدایی: سید حسین موسویان؛ دیپلمات پیشین وزارت خارجه که با عناوینی چون معاون پیشین سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی، عضو ارشد تیم پیشین هسته‌ای و سفیر اسبق آلمان می‌شناختیمش چند روز پیش میهمان کافه خیر بود. او از خاطراتش برایمان گفت: از سخنرانی‌ها و مناظره‌هایی که می‌رود و گاهی اتفاقات جالبی هم برایش می‌افتد.

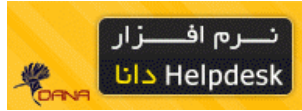
موسویان از وقتی جلاک وطن کرده به قول همکاران آمریکایی‌اش "لحظه‌ای قلم را زمین نمی‌گذارد"، در دانشگاه پرینستون تحقیق و تدریس می‌کند، با **سیاستمداران**، رسانه‌ها، آکادمیسین‌ها و مردم عادی می‌نشیند، به **نشست‌ها**، **کنفرانسها**، رادیوها و تلویزیون‌های آمریکا، اروپا، چین، روسیه و جهان عرب می‌رود، با دیپلماتهای سابق درجه یک آمریکا (اعم از جمهورخواه و دمکرات) از نیکلاس برنز گرفته تا آلبرایت و آینهورن می‌نشیند و مناظره می‌کند و مجاب‌شان می‌کند که در بستر سی و پنج سال خصومت در رابطه ایران و آمریکا، واشنگتن تنها با ساز متحدینی رقصیده که امروز بیش از هر زمان دیگری منافعش را در خاورمیانه تهدید می‌کنند.

موسویان حتی زمانی که به تلخ زبانی تندروهای آمریکایی روبرو می‌شود، همچون برخی از همقطاران در وزارت خارجه، خنده از چهره‌اش محو نمی‌شود و به رغم آنکه پاسخ‌های دندان شکنی در مناظره‌ها به سیاستمداران عرب از جمله وزیر خارجه بحریں و ترکی الفیصل سعودی می‌دهد، اما هر سال باز هم به منامه دابالوگ بحریں دعوت می‌شود.

موسویان که دو هفته پیش برای شرکت در همایش هسته‌ای و **انتشار نسخه فارسی کتاب پرفروش در آمریکا** به تهران آمده بود، به رغم فشردگی ملاقاتهایش، برای ساعاتی میهمان کافه خیر شد؛ از کتابش گفت که سنانورها در نشست‌های کنگره آن را بدست می‌گیرند و خواندش را به هم توصیه می‌کنند. موسویان برایمان از ماجرای بازداشتش در دولت احمدی‌نژاد و تأثیر منفی آن در وزارت خارجه هم برایمان گفت، اینکه کم نیستند دیپلماتهایی مثل او در وزارت خارجه که هم خوب می‌توانند از حقانیت کشورمان دفاع کنند و هم می‌توانند آدمهایی مثل خودشان تربیت کنند، اما طبق معمول آنچه حلقهٔ مفقودهٔ این کاستی است، همان ارادهٔ سیاسی و



هشدار وزارت خارجه به ترکیه؛ اقدامات خطرناک آنکارا اوضاع منطقه را پیچیده تر می‌کند
برآشفتگی تحلیلیگر حامی سعودی در مناظره با استاد علوم سیاسی در ایران
تایمز آو اسرائیل: چرا طرفداران اسرائیل در کنگره با طرح کنونی مربوط به ایران مخالفند؟
ژنوبلیتیک توافق هسته ای ایران



جسارتی است که به رغم نیاز مبرم در شرایط کنونی هنوز آنقدر برایمان حیاتی نشده است.

موسویان از ملاقاتش با ملک عبدالله ولیعهد وقت عربستان هم برایمان گفت. زمانی که سفیر ایران در آلمان بوده، به دیدار ملک عبدالله رفته و در ویلای شخصی او پس از ساعتها گفتگوی شبانه، عربستان را به پای میز مذاکره آورده و حاصلش شده توافق سیاسی - اقتصادی - امنیتی میان ایران و عربستان در دولت هاشمی رفسنجانی. موسویان این را هم گفت که ترکیب اوپاما-کری در یک دهه آینده تکرار نمی شود و باید فرصت را مقتنم شمرد.

مشروح گفتگوی جالب ما را با دکتر سیدحسین موسویان در ادامه بخوانید:

کمی از خاطرات و مناظره هایی که در آنها شرکت می‌کنید، برایمان بگویید آقای دکتر.

خاطره که زیاد دارم. برای یک سخنرانی در شورای روابط اعراب و آمریکا (US Arab Council Relation) دعوت بودم- موسسه ای که از سوی سعودی ها و اعرای حاشیه خلیج فارس تأمین مالی می شود، در این نشست که بالغ بر هزار نفر در آن شرکت داشتند، شاهزاده سعودی ترکی فیصل نیز در آن حضور داشت. وقتی وارد شدم پرسن ترکی پیش آمد و خطاب به حضار از جمله سفیر عربستان- که الان وزیر خارجه شده- گفت: من و آقای موسویان دوست هستیم؛ راجع به همه چیز با هم اختلاف داریم و تنها نقطه مشترک مان اینست که بر روی هیچ موضوعی با هم توافق نداریم و من هم بلافاصله پاسخ دادم: اگر این شیرین زبانی برای اینست که مناظره را تحت تأثیر قرار دهید، متأسفم.

در ایالت مین آمریکا هم مناظره ای داشتم با نیکلاس برنز؛ معاون وزیر خارجه آمریکا در دوران جرج بوش. وی اولین مذاکره کننده آمریکایی بود که پس از اینکه مذاکرات از EU3 به سطح P5 (پنج به علاوه یک) رسید، به مذاکرات پیوست. نیکلاس برنز، یکی از دیپلماتهای مهم آمریکاست که نقش مهمی در دیپلماسی آمریکا دارد، و هم اکنون نیز یکی از 10 چهره برتر و متفکر سیاست خارجی جمهوریخواهان است. من دعوت شده بودم تا موضع ایران را تشریح کنم و او نیز موضع آمریکا را بیان



کند و بعد مردم قضاوت کنند.

مناظره در سالیی برگزار شد که 500 صندلی داشت. دو سالن دیگر مجاور همان سالن اصلی از طریق تلویزیون مشغول گوش کردن به مناظره بودند. در مجموع هزار نفر برای شنیدن مناظره آمده بودند. روی صحنه رفتم، برنز مواضع کشورش را بیان کرد و من نیز مواضع ایران را گفتم. وقتی مناظره تمام شد، آمریکایی ها صفی طولانی برای تشکر کردن از من درست کرده بودند. جالب است که نیکلاس برنز که یک سیاستمدار برجسته آمریکایی و استاد دانشگاه هاروارد نیز است، تنها سه چهار آمریکایی کنارش ایستاده بودند و مشغول دعوا و مواخذه کردن او درباره نفاذ ضعفش در مناظره بودند؛ می شنیدم که آنها به برنز می گفتند: "نباید این را می گفتی، یا نباید توهین می کردی، ایشان با شما با احترام صحبت کرد".

از واکنش آمریکایی ها و صف طولانی بگویید.

باور نمی کنید که من یک ساعت و نیم ایستادم و با تک تک افراد در این صف طولانی صحبت کردم. برخی از آمریکایی ها که پس از آن مناظره با من روبرو می شدند، اشک می ریختند. تصور نمی کنید که توده آمریکایی ها چقدر ساده هستند و 35 سال فقط و فقط درباره ایران دروغ شنیده است. زمانی که گفتم که ایران در زمان جنگ بمباران شیمیایی شد و صد هزار نفر کشته و مجروح شدند و آمریکا تکنولوژی و مواد آن را در اختیار صدام قرار داده بود، اصلا باور نمی کردند.

آنها حتی ساده ترین حقایق مربوط به ایران را نمی دانند. در همان صف طولانی نمی توانید تصور کنید که من اشک افراد زیادی را دیدم که می گفتند برای اولین بار است که دارند این حرفها را می شنوند. خود من در مقابل این همه

عواطف و احساس تحت تأثیر قرار گرفته بودند. برایم جالب بود که آمریکایی‌ها هیچ بغضی نسبت به ما ندارند. مردم آمریکا گمراه شده‌اند و هم اکنون که حقایق را از زبان یک ایرانی می‌شنوند چقدر شهامت دارند و آنچنان معاون وزیر خارجه آمریکا را منزوی و خجالت زده می‌کنند که اصلاً تعجب آور است. در مورد همین مناظره فارن پالیسی مقاله ای نیز چاپ کرد و نوشت که اگر ایران و آمریکا بخواهند با هم مذاکره‌ای داشته باشند مهمترین محور مذاکرات طرفین همین مباحثی است که موسویان و برنز آن را در مناظره مطرح کردند.

سال گذشته نیز در کنفرانسی در انجمن آسیا (Asia Society) - یکی از بزرگترین تینک تانک‌های آمریکایی- حضور داشتم؛ تاکنون سیاستمداران ایرانی زیادی به این انجمن رفتند، از جمله آقای صالحی و آقای متکی و ... دو چهره مهم آمریکا نیز در آن حضور داشت؛ نام پیکرینگ که عالی‌ترین جایزه تاریخ دیپلماسی آمریکا را گرفته، و در واقع او را به عنوان دیپلمات برجسته یکصد ساله گذشته آمریکا می‌شناسند و دیگری رابرت اینهورن، یکی از اعضای تیم پیشین مذاکره‌کننده هسته‌ای نیز در آن حضور داشت، مجری نیز از شبکه سی بی اس آمریکا بود که پیشتر یک مصاحبه با آقای احمدی نژاد داشت.

جلسه مذکور مهم بود. آقای خزاعی سفیرمان نیز در آن حضور داشت. در حدود یک ساعت و نیم بحث کردیم؛ فضا طوری بود که در این بحث عمومی من کم بیارم و دو آمریکایی حاضر برنده باشند. ولی چهار بار جمعیت حاضر در نشست به احترام سخنان من بلند شدند و کف زدند ولی یک بار هم برای مناظره کنندگان آمریکایی کسی بلند نشد. وقتی پایین آمدم رییس انجمن آسیا به من گفت: "این انجمن قدمت 40-50 ساله دارد و کارش هم ترتیب دادن نشست و کنفرانس با حضور سیاستمداران فعلی و سابق برای مناظره است و من نیز سالهاست که رییس این انجمن هستم و این اولین باری است که می‌بینم آمریکایی‌هایی که در جلسه حاضر می‌شوند کاملاً حرف کشوری که دشمن شان است را تأیید می‌کنند و کف می‌زنند و به احترامش بلند می‌شوند."

دو ماه پیش نیز شورای امور خارجی آمریکا از من دعوت کرده بود که برای یک سخنرانی به کارولینای جنوبی بروم. به فرودگاه که رسیدم کسی که دنبال من آمده بود، با عذرخواهی گفت که سالن کنفرانس شان تنها 600 صندلی داشته و آنها مجبور شدند برای جا دادن بیش از 1000 نفر مستمع جای دیگری را در نظر بگیرند. تنها جایی که برای جا دادن این جمعیت پیدا کرده بودند یک کلیسا بود. طرف می‌گفت: شورای ما تاریخ پنجاه ساله دارد و بالاترین جمعیتی که تاکنون برای نشست‌هایشان آمده 600 نفر بوده است و اصلاً به خاطر ندارند که چنین جمعیتی برای یک نشست آمده باشد.

قبل از شروع سخنرانی، سالن با ورود بدون هماهنگی قبلی نماینده ایالت در کنگره آمریکا مهووت شد. نماینده کنگره نزد من آمد و دست داد و گفت دو ساعت شخصاً رانندگی کردم که به سخنرانی شما برسم. سخنرانی من 40 دقیقه طول کشید و اتفاقاً با استقبال خوبی روبرو شد. من در کنفرانس مذکور چند پیشنهاد ارائه دادم؛ مثلاً اینکه از رییس جمهور و یا وزیر خارجه ایران نیز دعوت شود تا در جلسه کنگره حضور داشته باشند؛ همانطور که نتایج به کنگره می‌رود و سخنرانی می‌کند و یک مشت دروغ تحویل آمریکایی‌ها می‌دهد و می‌رود، آمریکا می‌تواند برای یکبار از نمایندگان ایران برای سخنرانی در کنگره دعوت کند و ببیند حرف ایران چیست.

رییس موسسه میزبان در پایان خطاب به نماینده جمهوریخواه کنگره گفت: "می‌خواهم یکی از پیشنهادات آقای موسویان را مطرح کنم تا این جمع نظر بدهند. ایشان معتقدند که به جای نتایج از روحانی و یا ظریف برای سخنرانی در کنگره دعوت شود."

باور نمی‌کنید جمعیت هزار نفری بلند شدند و با دست زدن از این پیشنهاد استقبال کردند. در پایان نشست نماینده جمهوریخواه به من گفت: زمانی که شنیدم می‌خواهید در ایالت من سخنرانی کنید، بدون دعوت راه افتادم و آمدم و بسیار خوشحالم از اینکه آمدم. وی گفت: "بسیار از حقایقی که در این سخنرانی به آن اشاره کردید را من نمی‌دانستم." من در پاسخ به او گفتم: "شما نمایندگان کنگره که مسائل ساده و بسیار پیش پا افتاده و ابتدایی و تاریخی درباره 35 سال گذشته در روابط ایران- آمریکا را خبر ندارید، چطور درباره ایران تصمیم می‌گیرید؟" او در پاسخ به من گفت: That's the way it is.

اصلاً نمی‌توانید تصور کنید که اطلاعات آمریکایی‌ها درباره ایران چقدر اندک است. اروپایی‌ها در مقایسه با آمریکایی‌ها بسیار مطلع‌تر هستند و خصم آنها نیز نسبت به ما کمتر است. در واقع در طول 35 سال قطع رابطه دو کشور، استخبار خبری، مردم آمریکا را ایزوله و منزوی کرده است. توده آمریکایی بسیار ساده است. در یکی از سخنرانی‌ها در شورای روابط خارجی در سانفرانسیسکو، تعداد زیادی از خبرنگاران از شبکه‌های تلویزیونی نیز آمده بودند. سخنرانی من همزمان در 250 شبکه تلویزیونی و رادیویی پخش میشد. من پرسیدم آیا این همه خبرنگار به دعوت شما آمده‌اند: گفتند که آنها تنها یک اطلاعیه درباره نشست مذکور داده‌اند و آنها خودشان به

من 20 سال در وزارت خارجه بودم. واقعا اینطور نیست که فقط من هستم که این مسیر را انتخاب کردم. دیپلماتهایی در وزارت خارجه هستند که انگلیسی خیلی خوب حرف می‌زنند، به خوبی استدلال می‌کنند. اعم از بازنشسته و یا مشغول کار. مشکل اینجاست که نگران هستند که اگر به میدان بیایند، فردا هزار مشکل برایشان درست شود.

زمانی که من در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد بازداشت شدم، خیلی از همکاران وزارت خارجه به من گفتند که تو با این همه ارتباطات در عالی‌ترین سطح و با این همه سابقه خدمات در وزارت خارجه وقتی بازداشت می‌شوی، ما چگونه ریسک کنیم؟ در واقع این مسئله ریسک هم دارد؛ اما باید به میدان آمد.

سخنرانی آمده اند.

چطور ممکن است که یک نماینده کنگره تا این اندازه اطلاعاتش نسبت به ایران ضعیف باشد؟

وقتی نماینده کنگره آمریکا، می گوید که سخنان من برایش تازگی داشته و آنها را نمی دانسته ببینید مردم چقدر ناآگاه هستند. با جیم اسلتری، نماینده پیشین کنگره آمریکا که چند ماه پیش به ایران آمد، در واشینگتن دیدار داشتم. در ملاقات به من گفت: ایرانی که شما در سخنرانی هایتان به آن می پردازید اصلاً آن ایرانی نیست که در آمریکا به تصویر کشیده شده است. از زمین تا آسمان فرق می کند. من حتی مقامات شما از جمله آقای ظریف را دیدم و آنچنان تحت تأثیر قرار گرفتم که تمام نگاهم نسبت به کشورتان تغییر کرده است.

او درباره خلا اطلاعاتی موجود در آمریکا از من پرسید و من کتابم را به او معرفی کردم و به او توصیه کردم که کتاب را بخواند. کتاب را برایش فرستادم و بعد ایمیلی زد و گفت: این کتابی است که خواندن آن بر هر نماینده کنگره آمریکا واجب است. خیلی برای من جالب بود وقتی اسلتری گفت: من که 15 سال بر روی روابط ایران-آمریکا کار کرده ام، با مقامات کشورتان ملاقات کرده ام و به ایران رفتم، بسیاری از اطلاعات موجود در این کتاب را نمی دانستم.

برای بهبود این وضعیت چه باید کرد آقای دکتر؟

واقعیت اینست که دیپلماسی عمومی کشور ما (در همه دولتها، فرقی هم نمی کند) از ابتدای انقلاب صفر بوده است. در واقع دولتها برنامه ریزی و دیپلماسی درستی در راستای روشننگری افکار عمومی دنیا نداشته و ندارند.

راهکارهای شما چیست؟

اولاً اراده سیاسی می خواهد. من معتقدم هنوز اراده سیاسی وجود ندارد. یکی از پارامترهای دیپلماسی عمومی لابی گری در آمریکا است و این همه ماجرا نیست. در واقع نیازمند این لابی گری در اروپا و حتی نیازمند روشننگری در سایر رسانه های دنیا نیز هستیم. یکی از بایدها این است که تعامل گسترده ای میان رسانه های کشورمان با رسانه های دنیا ایجاد کنیم.

روزنامه نگاران خارجی می آیند و مسئولین ما را ملاقات می کنند؛ در حالیکه تا به حال یک روزنامه نگار ایرانی با رئیس جمهور آمریکا ملاقات و مصاحبه نکرده است. کسی نمی پرسد که چرا خبرنگاران خارجی و آمریکایی به ایران می آیند و با مقامات رده یک مصاحبه می کنند، اما کافی است یک خبرنگار ایرانی به آمریکا برود و این کار را بکند ببیند که بلیشویی می شود.

یک خاطره جالب برایتان بگویم من در سال 1364 به مجلس شورای اسلامی رفتم. آنجا رئیس سازمان اداری مجلس بودم و با آقای هاشمی کار می کردم، و مقام معظم رهبری نیز در آن زمان رئیس جمهور بود و اولین باری بود که ایشان قصد عزیمت به سازمان ملل را داشتند. من در آن زمان سردبیر تهران تایمز هم بودم. در آن زمان من به آقای هاشمی گفتم که قصد مصاحبه با سفیر آمریکا را دارم. ایشان تأیید کردند و من در هواپیما حتی این مطلب را با حضرت آیت الله خامنه ای مطرح کردم که مخالفتی نفرمودند. ورنه والترز، سفیر آمریکا در سازمان ملل و عضو کابینه دولت آمریکا بود. او کسی بود که در زمان کودتای 28 مرداد و قبل از انقلاب حضور فعالی در ایران داشت.

در زمان مصاحبه، سفیر آمریکا به من گفت آیا شما جرأت دارید مصاحبه را بدون سانسور منتشر کنید؟ و من به او گفتم آیا شما اجازه می دهید من سوالاتم را بپرسم؟ گفت: هر سوالی میخواهی بپرس اما آیا می تونی همه را چاپ کنی؟ من مصاحبه را شروع کردم و آقای هاشمی تأکید کرده بود که من همه چیز در مورد سیاستهای آمریکا از جمله دخالت های آمریکا در منطقه را با آنها مطرح کنم و از او بپرسم. وسط مصاحبه سفیر آمریکایی ناگهان برآشفتم و گفتم: دارید مصاحبه می کنید و یا محاکمه می کنید؟

در نهایت به من گفت: من صد در صد مطمئنم شما جرأت چاپ مصاحبه را ندارید. پرسش های مصاحبه صریح بود، اما پاسخ های سفیر نیز بسیار صریح بود. در زمان چاپ مصاحبه از آنجایی که قول داده بودیم بدون هیچ گونه سانسور آنرا چاپ کنیم، بالاخره گفتگو را چاپ کردیم. یک نسخه را بعد از انتشار برای سفیر فرستادم و اصلاً باور نمی کرد که سخنانش بدون سانسور در ایران چاپ شده باشد.

*البته بخشی از موضوع دیپلماسی عمومی و لابی گری تماس رسانه هاست. رسانه های آمریکا به سراغ ایرانی ها می روند، مصاحبه می گیرند و بخش می کنند اما از طرف ما هیچ خبری نیست. وزیر خارجه ما تاکنون صدها مصاحبه کرده اند، آیا تاکنون دیدید که یکی از خبرنگاران ما با یک وزیر خارجه آمریکا گفتگو کند؟

*بخشی از این دیپلماسی رابطه مردم با مردم است. دولت و حاکمیت باید درها را باز کند و مردم دو کشور با هم رابطه داشته باشند اعم از رابطه علمی، توریستی، هنری، موسیقی، آکادمیک و حتی مذهبی.

*از سویی بیش از یک میلیون ایرانی در آمریکا زندگی می کنند. منهای یک تا حداکثر 2 درصد که تروریست و برانداز و معاند هستند؛ سایر ایرانی ها عاشق ایران هستند. چون به ایران تعلق خاطر دارند و می توانند برای منافع کشورشان در آمریکا تلاش کنند. و غالباً هم افراد موفق هستند که ارتباطات قوی و محکمی دارند؛ با نمایندگان کنگره و رسانه ها در ارتباط هستند و ثروت و تجارتهای خوبی دارند. باید از این پتانسیل استفاده کرد.

*در واقع می خواهیم تأکید کنیم که هیچ دولتی تاکنون در راستای بهبود این وضعیت گام جدی برداشته و هر دولتی آمده به شکلی ظاهری و از سر رفع تکلیف چند کار موقتی و ضعیف ارائه کرده و رفته. گام نهادن در این مسیر، اراده، برنامه مدون، اجماع ملی و دید وسیع می خواهد. اگر قرار باشد باید برای دادن یک ویرا همه تن و بدن مان بلرزد نمی شود دیپلماسی عمومی را پیش برد. حتی اگر در مسیر بازگشایی، اتفاقات ناخوشایندی بیفتد، باید

فرصتهای بالای این سیاست را به هزینه های ناچیز آن ضرر ترجیح داد. در ابتدا باید دید آیا این اراده وجود دارد یا نه.

باید برویم داخل تینک تنک های آمریکایی و غربی و شرقی بنشینیم و بحث کنیم و برایشان توضیح بدهیم که نگاهشان اشتباه است. جالب است من به یکی از موسسات که در طرفداری از صهیونیسم مشهور است، دعوت شدم. خیلی از ایرانیهای مقیم می گفتند آیا واقعاً می خواهی به این موسسه بروی و من پاسخ دادم میخواهم بروم و بینم حرف حساب آنها چیست و حرف حساب خودم را بزنم.

در جلسه مذکور که برخی از مغزهای متفکر آمریکا نیز حضور داشتند، شرکت کردم و دو ساعت بحث کردیم و من به همه مسائل جواب دادم. در نهایت معاون موسسه از حضار پرسید: کسی از آقای موسویان سوالی ندارد، کسی نمی خواهد به اظهارات ایشان پاسخ بدهد؟ و باور نمی کنید دیگر کسی هیچ سوالی نداشت و همه به یکدیگر فقط نگاه می کردند.

باید به درون این تینک تنک ها برویم، شهامت داشته باشیم و باید ریسک آن را نیز پذیرفت. اگر بخواهیم بگویم همه اندیشکده های جهان غرب، صهیونیستی و مراکز جاسوسی هستند، در آن صورت رابطه مان را قطع کنیم، این همان چیزی است که صهیونیستها می خواهند. اینکه همه مراکز را جاسوسی تلقی کنیم و رابطه را با همه قطع کنیم و همه میدان به دست صهیونیسم و اعراب معاند بدهیم تا مدام علیه ما کتاب، مقاله، جزوه و بولتن بیرون دهند، که به ضرر ماست. ما واقعا میدان مراکز علمی و آکادمیک و اندیشکده ها را به دست دشمن داده و صحنه را خالی کرده ایم.

آقای موسویان با توجه به حضور فعال تان در رسانه های آمریکایی و مناظره های داغ تان گفته می شود که شما از طرف دولت مأموریت دارید که در راستای دیپلماسی عمومی در خارج از کشور فعالیت کنید؛ آیا واقعا همین طور است؟

اگر واقعا مسئولین و مدیران اجرایی ما چنین مأموریتی به من می دادند من گفتم که یک درصد چنین توجهی و همتی به وجود آمده که از یکی از دهها دیپلمات های با سابقه استفاده می شود. ایکاش همین بود که شما گفتید. ولی واقعا اینگونه نیست. بعد از اتفاقی که در ایران برای افتاد من کلا برای منافع کشورم سکوت اختیار کردم.

پس از عزیمت به آمریکا، اصلا برنامه ای برای مصاحبه و گفتگو نداشتیم؛ اما زمانی که هجده حمله رسانه ها را به خصوص در زمان آقای احمدی نژادی دیدم، اصلا این مسئله را بر نتابیدم و شروع



به دفاع کردم. دیدم نمی توانم بنشینم اینجا و آنها از صبح تا شب علیه ایران حرف بزنند. اصلا شما نمی توانید حجم سنگین تبلیغات منفی علیه ایران را باور کنید. تبلیغاتی که 90% آن دروغ است. سکوت را شکستم. من هیچیک از مصاحبه ها، مقاله ها و سخنرانی ها و مناظره هایم را با هیچ یک از مقامات دولتی هماهنگ نکردم.

این مسئله مخاطره ای برای شما ایجاد نکرده است؟

خیر. من مطمئن بودم هر حرفی که می زنم منطقی است. بر خودم مسلط بودم و به خودم اعتماد داشتم و عقیده ام این بوده که می خواهم از کشورم در مقابل تبلیغات دروغ و منفی دفاع کنم.

ما در وزارت خارجه ظرفیت های زیادی برای استفاده کردن در راستای دیپلماسی داریم. نمی گویم از من در این مسیر استفاده شود، اما گزینه های زیادی برای این کار در کشور هست. اگر ایران بتواند یک لابی ضد جنگ و ضد تحریم در آمریکا راه بیندازد و از یک میلیون ایرانی که در آمریکا زندگی می کنند، استفاده کنند، می دانید چه نتایج مثبتی به همراه خواهد داشت؟ این کوچکترین کاری است که می توانیم بکنیم. در واقع اگر این لابی را درست کنید و آنها بتوانند، با تلاش و قلم شان در راستای سیاست ضدجنگ و ضد تحریم و ضد ملت ایران گام بردارند، حتی دولت فعلی آمریکا نیز از این مسئله استقبال می کند. واقعیت اینست که دوران بوش به پایان رسیده و هم اکنون کسی در آمریکا خواهان جنگ نیست و اوپاما هم بدنبال حل مشکل با ایران است.

چرا از ظرفیت هایمان در وزارت خارجه در راستای مسئله ای که بدان اشاره کردید، استفاده نمی کنیم؟ آیا هستند دیپلماتهایی که بتوانند مثل شما روشنگری کنند و آگاهی بدهند؟

بله. هست. من 20 سال در وزارت خارجه بودم. واقعا اینطور نیست که فقط من هستم که این مسیر را انتخاب کردم. دیپلماتهایی در وزارت خارجه هستند که انگلیسی خیلی خوب حرف می زنند، به خوبی استدلال می کنند. اعم از بازنشسته و یا مشغول کار. مشکل اینجاست که نگران هستند که اگر به میدان بیایند، فردا هزار مشکل برایشان درست شود.

زمانی که من در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد بازداشت شدم، خیلی از همکاران وزارت خارجه به من گفتند که تو با این همه ارتباطات در عالی ترین سطح و با این همه سابقه خدمات در وزارت خارجه وقتی بازداشت می شوی، ما چگونه ریسک کنیم؟ در واقع این مسئله ریسک هم دارد؛ اما باید به میدان آمد.

شما و دیپلماتها باید توجه داشته باشید که تنها دیکته نانوخته غلط ندارد. دیپلمات هم اگر بخواهد حرف بزند ممکن است غلط داشته باشد، اما باید رفت و حرف زد. نباید کسی را متهم کنیم. وقتی دیپلماتی می خواهد با جایی مصاحبه کند، وقتی می خواهد به درون یک تینک تنک برود، بنشیند و با آنها حرف بزند نباید متهمش کنیم باید تشویقش کنیم. باور نمی کنید چند دقیقه قبل از این که با شما حرف میزنم، یکی از خبرنگاران مشهور آمریکایی به من ایمیل زد و گفت می خواهد گزارشی درباره ایران بنویسد و برای اینکه روزنامه موضع ضدایرانی نگردد، نیاز به مشاوره با من دارد تا توجیه متقاعدکننده ای به او بدهم.

زیادند از این دست خبرنگارانی که نظر من را در بسیاری از گزارشات شان می پرسند و یا از قول من و یا از قول خودشان نقل می کنند. در واقع اینگونه می توان با ایجاد ارتباطاتی مانع از تبلیغات رسانه های درجه اول خارجی علیه کشورمان شویم. باور نمی کنید در طول روز چند خبرنگار به من زنگ می زنند و می خواهند که واقعیات ایران را به دور از پروپاگاندا کهنه و قدیمی برایشان استدلال کنم.

به بحث هسته ای بپردازیم آقای دکتر. برخی دلوایسان بر این باورند که در بیانیه لوزان آنچه ایران داده، در ازای چیز کمتری دریافت کرده است و اصولاً یکی از دلایل عدم انتشار فکت شیت ها نیز همین بوده است، تحلیل شما چیست؟

فکت شیت آمریکایی ها را که نگاه کنید، تا اندازه ای جزئیاتی پیرامون تحریم را تشریح کرد که واقعاً هنوز بر سر آنها توافق نشده بود. در اینکه آمریکایی ها درباره فکت شیت اشتباه کردند، تردیدی نیست. در اینکه فکت شیت آنها دقیق نبود، شکی نیست. مدعی نیستیم که فکت شیت آنها دروغ بود، شاید 90 درصد آنها نیز راست بود، اما دقیق نبود، به این خاطر که یک طرفه بود؛ امتیازاتی که داده بودند را کم رنگ کردند. در این هم شکی نیست. اما ذکر یک مسئله بسیار مهم است:

آمریکایی ها احساس می کردند که با این توافق زلزله ای در واشنگتن رخ خواهد داد که دولت اواما قادر به مقابله و مقاومت در برابر آن نخواهد بود.

به هر حال همان فکت شیت آمریکایی ها حاوی سه مطلب است:

***اول** اینکه تحریم ها برداشته می شود

***دوم** اینکه غنی سازی نیز پذیرفته می شود

***سوم** اینکه آب سنگین اراک پذیرفته شده است.

سه خط قرمز اصلی آمریکا در مذاکرات شکسته شد. اصلاً به جزئیات کار نداشتند. در واقع در بیانیه لوزان باید به این موارد توجه شود. آمریکایی ها از خط قرمزشان که آب سنگین اراک بود کوتاه آمدند. مقاله هنری کیسینجر را پس از بیانیه دیدید؟ وی در آن گفته بود که همه خط قرمزهای آمریکا در مذاکره با آمریکا کنار رفت. آمریکایی ها در واقع به شکل دیگری متفاوت از نگاه شما به مسئله می نگرند.

من می فهمیدم که آمریکایی ها لازم دارند که همین مسئله را حفظ کنند. در واقع اگر شما هم در آمریکا بودید متوجه می شدید که آمریکایی ها چاره ای نداشتند جز اینکه داده ها را کم رنگ کنند و گرفته ها را پررنگ کنند که منتقدان را منزوی کنند.

در هر حال همه توافقات اعم از ژنو، لوزان و توافق نهایی حاوی 4 نکته بسیار مهم است:

*تحریمها برداشته می شود و این به نفع ماست

*تکنولوژی صلح آمیز که شامل آب سنگین، آب سبک، غنی سازی و سایر تکنولوژی های هسته ای طرف مقابل می پذیرد و این به نفع ماست.

*ما راست آزمایی را در حد بسیار بالایی می پذیریم.

همچنین محدودیتهایی را در یک دوره زمانی برای اینکه به جامعه جهانی ثابت کنیم که به دنبال بمب نیستیم را می پذیریم.

اگر آمریکاییها غنی سازی را بپذیرند، که البته پذیرفتند برای اینکه بتوانند غرب، اسرائیل و جامعه خودشان را قانع کنند باید گرفته هایشان را پررنگ کنند و بگویند که ایران پذیرفته برای 10 تا 20 سال زیر 5% غنی می کند. در واقع این راستی آزمایی بیانگر شفافیت و تثبیت این مسئله است که ایران به دنبال ساخت بمب هسته ای نیست و این محدودیت فراتر از آن پی تی است. طبق ان پی تی ایران می تواند 100% غنی سازی کند ولی اگر بخواهید اصل حق غنی سازی را در فضای بین المللی بگیرید در طرف دیگر باید امتیازی برای محدودیت داد تا مدعیان علیه ایران را خلع سلاح کنیم.

بحث پذیرفته شدن آب سنگین نیز مسئله مهم بیانیه لوزان است. زمانی همین مسئله خط قرمز آمریکا بود. اصلاً نمی توانستید تصور کنید که این مسئله در زمانی تا چه میزان آمریکا را عصبانی و نگران می کرد، خیلی از منتقدان در داخل کشور این روزها را ندیدند. در واقع وقتی اسم آب سنگین می آمد، آمریکایی ها صراحتاً می گفتند: ?

Heavy Water? What are you talking about

اصلاً این مسئله آمریکاییها را به هم می ریخت حال که آمریکا این مسئله را پذیرفته، ایران نیز پذیرفته که بازآوری برای مدتی طولانی ندارد. برای اینکه راه ساخت بمب از طریق بسته می شود. اگر بازآوری را نداشته باشید این مسئله ممکن نیست. آمریکا برای اقیان داخلی ناچار به بزرگنمایی توقف بازآوری شد.

مصوبه جدید سنا آیا وضعیت را سخت تر نکرده است؟

کار را سخت می کند. مطمئن باشید که در صورت توافق نهایی، این قراردادی نیست که کسی بتواند درباره آن آسوده خاطر باشد و بگوید که برای 15 تا 20 سال به خوبی، کامل و دقیق اجرا خواهد شد. من مطمئنم که هر چند ماه یکبار یکی یک نارنجک زیر این قرارداد هوا می کنند. لابی سعودی، لابی اعراب، لابی اسرائیل. اساس این بحث اصولاً این توافق نامه نیست. واقعیت اینست که در داخل کشور همه عرق در بندهای متن بیانیه هستند؛ اصلاً نگرانی طرف مقابل بندهای متن نیست. آنهایی که مخالف این بیانیه هستند، بخشی از حاکمیت خود آمریکاست، لابی صهیونیست، لابی اعراب متخاصم و اپوزیسیون برانداز است. منافقین روزانه چندین آدم در استخدام دارند و در کنگره از ساعت 8 صبح تا 8 شب کارت می زنند و کار می کنند. جالب است که اگر یکی از ما به کنگره آمریکا برود و دو کلمه در دفاع از ایران حرف بزند، در داخل ایران، بلوایی میشود. آمریکایی ها مشکلاتی از این دست ندارند و ماییم که نمی توانیم به راحتی حرف بزنیم.

نگرانی مخالفان طرف مقابل چیست؟

اصولاً بحث توافقی نیست؛ اینکه می گویند توافق خوب و بد؛ اصلاً بحث این نیست. بحث طرف مقابل اینست که اگر تحریم های ایران برداشته شود، اساس ساختار تحریم هایی که آمریکا در طول 35 سال با تمام ظرفیت برای نابودی جمهوری اسلامی و متحد کردن دنیا علیه کشورمان از هم فرو می باشد. کاری ندارند که ایران می خواهد 5000 تا ساترتیفیوژ داشته باشد و یا 10 هزار تا. اصلاً مسئله آنها این نیست. مسئله آنها این نیست.

در واقع می توان نگرانی مخالفان در چند بند خلاصه کرد:

مخالفین در آمریکا و اسرائیل و جهان عرب می گویند می خواهید تحریم ها را بردارید؟ غنی سازی و آب سنگین را هم بپذیرید؟ در اینصورت اگر هر امتیازی هم بگیرید باز هم باختید. دوم اینکه آنها می گویند می خواهید قدم بعدی را بردارید؟ یعنی برای مقابله با داعش با ایران همکاری کنید؟ می خواهید در حوزه سوریه با ایران همکاری کنید؟ اگر همکاری منطقه ای مشابه میان ایران و آمریکا شکل بگیرد که اساس سیاست تغییر رژیم در ایران فرو می باشد. ما میگوییم ایران تروریست است و شما میخواهید با ایران علیه تروریست همکاری کنید؟ اگر آمریکا که ایران را 35 سال دولت تروریسم می خواند، به جایی برسد که در منطقه با ایران همکاری کند و علیه تروریسمی که متحدان آمریکا پشت آن قرار دارند، متحد هم شوند، تصور کنید که در صورت وقوع این مسئله چه اتفاقی در صحنه بین الملل می افتد.

35 سال آمریکا، ایران را "State of Terrorism" خواند، حالا باید دست به دست ایران بدهد و با تروریسمی بجنگد که پشت آن پول، سلاح و حمایت آن از متحدین خود آمریکاست. قطعاً چنین همکاری همه این معادلات را به هم می ریزد. اصولاً دعوای آمریکایی های مخالف چیز دیگری است. و ما داریم روی مواردی حساسیت نشان می دهیم که نشان میدهد سوراخ دعا را گم کرده ایم.

من طی این اقامت کوتاهم در ایران، در یکی از نشست های دانشگاهی شرکت کردم، دیدم همه درباره نکست صحبت می کنند و گویی اصلاً کانتکسی مطرح نیست. اصلاً نمی دانند که درباره چه داریم صحبت می کنیم. اصلاً نمی دانند که این توافق اندکی به نفع ما و کمی به نفع آنهاست و اگر شکل بگیرد چه اتفاقی قرار است بیفتد. اصلاً کسی دقت نمی کند که چرا اسرائیل اینقدر نگران است. تصور می کنید که برای ذخیره سوخت هسته ای ما است؟ تصور می کنید که نگرانی اسرائیل اینست؟

آیا لابی گری هایی که بدان اشاره کردید، می تواند توافق نهایی را تهدید کند؟

ببینید، من میخواهم بگویم که ما نمی توانیم خودمان را گول بزنیم. به مردم هم نباید دروغ گفت. حاکمیت آمریکا دو دسته شده است. یادمان نرود روزی که آمریکا توانست اروپا را با خود متحد کند، چین، روسیه و هند را در کمپ خود بیاورد و هر تحریمی را علیه ایران تصویب کند و همه امضاء کردند. حالا در گروه پنج به علاوه اختلاف رخ داده است. میان اروپایی ها هم اختلاف افتاده است. فرانسه یک ساز می زند و آلمان یک ساز می زند. بین آمریکا و اسرائیل نیز اختلاف افتاده است.



داخل آمریکا نیز بر سر این مسئله اختلاف افتاده است. تصور کنید در چه شرایط متحول شده ای در حال مذاکره هستیم. باور آن سخت است.

فشاری که از منطقه، لابی صهیونیستی و حتی جهان عرب در حال وارد آوردن است، غیرقابل تصور است. امروز اوباما بسیار معتدل تر از فرانسویها ظاهر شده است. آیا تصور می کردید که روزی وزیر خارجه آمریکا به لندن برود، تا بتواند فرانسه را قانع کند؟ حرف من اینست که فشار بسیار زیادی در حال اعمال شدن است. دعوا در ظاهر توافقی هسته ای است. باطن دعوا اینست که در صورت برداشته شدن تحریم ها، ساختار آن فرو می ریزد. دوم اینکه آمریکا در حال وارد شدن به تعاملات منطقه ای با ایران در راستای ثبات و امنیت با ایران است. آنهم در حالیکه تاکنون این کشور را مخل امنیت و ثبات منطقه می دیده است.

شما اگر این گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا (که متشکل از 16 سازمان اطلاعاتی آمریکا است) را از سال 2001 تا 2014 مورد بررسی و مطالعه قرار دهید متوجه می شوید که از سال 2013 تا 2014 نگاهها تغییر کرده است. تا آن زمان همه تحلیل ها دال بر این بود که ایران منشأ تروریسم، بی ثباتی، هژمونی و ... است؛ اما در گزارشات سال 2013 و 2014 می بینید که گزارشات می گوید ایران مخالف سلفی گری، تروریسم و داعش است، ایران می خواهد از شیعیان حمایت کند اما ممکن است همین حمایت موجب جنگ فرقه ای شود. در واقع لحن گزارشات کاملاً تغییر کرده است.

سوم اینکه در صورت ورود ایران به تعاملات منطقه ای با ایران کل اساس و چارچوب تغییر رژیم به هم می ریزد و شرایط منطقه و آمریکا به گونه ای است که آمریکا نمی تواند شرایط را برگرداند.

انتخاب ایران در میان چیست؟

تصور می کنید اگر نرویم و معامله نکنیم خوب است؟ این یعنی تثبیت سیاست تحریم در ایران. اگر نرویم و مذاکره و توافق نکنیم دقیقاً این همان چیزی است که نتانیاهو می خواهد.

حالت دوم اینست که آمریکا به عنوان دولت آمریکا امضا می کند. اروپا، چین و روسیه هم امضا می کنند. فرض می کنیم سنای آمریکا بعداً به هم می ریزد. باید این فرض را در نظر داشت؟ در آن صورت چه اتفاقی می افتد؟ در صورت شکست این مسئله، اروپا، روسیه و چین دیگر با آمریکا همراهی نمی کند و با آنها همکاری نمی کنند. پس آمریکا منزوی می شود. در صورتی که طرفهای مذاکره کننده بخواهند قاعده را به هم بریزند خودشان را منزوی می کنند.

این پرسش پیش می آید که آمریکا می خواهد چه کند؟ آیا در آن صورت تحریم ها ادامه خواهد یافت؟ فرض را بر این بگذاریم که آمریکا تحریم را ادامه دهد. آیا این سناریو بهتر است یا اینکه کاری کنیم که همه کشورها متحد القول تحریم ها را نگه دارند. واقعیت اینست که در این مسئله ریسک هست. این هم با مخالفت شدید روبروست. حال که اوپاما هست و می تواند از قدرتش برای پیشبرد این مسئله استفاده کند، باید از فرصت بهره بگیریم چرا که بعد از اوپاما مشخص نیست که چه کسی سکان دار خواهد بود.

بدترین سناریو چه می تواند باشد؟

بدترین سناریو اینست که آمریکا این توافق نامه را نقض کند اما باز هم ابرادری ندارد؛ این دیگر قطعنامه سازمان ملل نیست و دنیا می تواند با ما کار کند؛ اگر آمریکا نمی خواهد می تواند با ما کار نکند. آمریکا منزوی می شود. آمریکا روزی همه سیاستها را اجرا می کرد که ایران را منزوی کند، اما اگر بخواهد این مسئله را نقض کند، خودش منزوی می شود.

اگر توافق صورت گیرد و آمریکا آنرا نقض کند، آمریکا دیگر قادر نخواهد بود تحریم فرامرزی (Extra territorial) اعمال کند. توجه داشته باشید که تمام تحریمهای فرامرزی آمریکا خلاف قوانین بین الملل است؛ چون قانون بین الملل بر قانون کنگره آمریکا مسلط می شود. شورای امنیت سازمان ملل تصویب می کند که تحریمها برداشته شود و تا زمانی که ایران به تعهداتش دقیق عمل کند، آمریکا منزوی باقی بماند.

در صورتی که ما خوب عمل کنیم و از طرف ایران نیز نقضی وجود نداشته باشد، این پرسش پیش می آید که آیا کنگره و با رییس جمهور آمریکا نخواهند توانست در قابل مسائلی چون حقوق بشر و تروریسم قانون تصویب کنند؟

بله می توانند. هیچ تضمینی نیست. به همین دلیل من می گویم که با وجود همه ریسکها، حرکت به سمت توافق و نهایی کردن توافق به نفع ما و شکستن اجماع جهانی است.

دوم اینکه ایران کشوری است که به تعهداتش عمل می کند و در بدترین حالت آمریکا کشوری است که زیر تعهداتش می زند.

سوم اینکه بقیه کشورهای دنیا با آمریکا همکاری نمی کنند.

چهارم اینکه اگر عین این مسائل را در قالب حقوق بشر و تروریسم برده شود، ایران در مجامع بین الملل حرف دارد و می تواند دلیل بیاورد و آنرا رد کند. ولی من صراحتاً به آمریکایی ها و ایرانی ها گفته ام که بی اعتمادی میان ایران و آمریکا محدود به مسئله هسته ای نیست. اگر بخواهیم تنشج و خصومت را میان آمریکا و ایران خاتمه بدهیم با یک مسئله هسته ای خاتمه نمی یابد.

باز هم تأکید می کنم که این ریسک هست که تحت لوای مسائلی همچون تروریسم و حقوق بشر کارشکنی هایی در مسیر اجرای توافق به وجود بیاورند، اما عاقلانه است که ایران به این مسیر ادامه دهد، برای اینکه در گام اول ایران اجماع جهانی را می شکنند و این عاقلانه ترین راه است.

کمی به مسائل منطقه بپردازیم. از تغییرات در دستگاه سیاسی عربستان شروع کنیم. سعودیها با

این تغییران جدید به دنبال چه بودند؟

من تحول مثبتی در این تغییر و تحولات نمی بینم. به این دلیل که در حال حاضر در ساختار مدیریتی عربستان وزن عقلا کم شده است. وزیر دفاع جدید جوان ناپخته ای است. سفیری که در آمریکا بوده و هم اکنون وزیر خارجه شده، از نزدیکان ملک عبدالله و یک دیپلمات زرنگی است. اما اینکه وی به کدام سمت گرایش پیدا کند- به سمت بازهای سعودی و یا عقلا- باید صبر کرد و دید.

من معتقدم که روندهای چند سال اخیر باعث تحقیر جهان عرب به خصوص سعودیها شده است. به خصوص اینکه عربستان ادعای رهبری جهان عرب را دارد.

سعودیها احساس می کنند که در مقابل ایران فوق العاده ضعیف، آسیب پذیر و تحقیر شده اند و ایران دارد به وزنه

و قدرت اصلی منطقه تبدیل می شود. در واقع مشکل سعودیها همین است. از همین رو با همه قدرت علیه بهبود روابط ایران و آمریکا کار می کنند. با تمام قدرت می خواهند تحریم ها حفظ شود، اگر آمریکا همین امروز به ایران حمله کند، بسیار خوشحال می شوند. از سویی با همه توان شان می خواهند جلوی توسعه نفوذ ایران را بگیرند. حمله به یمن ضمن اینکه دارای ملاحظات جدی منطقه ای بود، برای عربستان جنبه حیثیتی داشت تا روحیه دوباره به جهان عرب بدهد. واقعیت اینست که جهان عرب واقعا روحیه اش را باخته است.

اصولا ماهیت تشدید و اوج گیری این اختلاف طی دو سال اخیر چه بوده؟

در یکی از جلساتی که هفته پیش در آن حضور داشتم و برخی از شرکت کنندگان و کارشناسان عرب نیز حاضر بودند، حرف اصلی آنها این بود که ایران در طول یک دهه اخیر روز به روز نفوذش در منطقه زیاد شده، جبهه اعراب در حال ضعیف شدن است، اتحادیه عرب از هم پاشیده، مصر که قدرت اول جهان عرب بوده و اعراب همیشه بر روی آن حساب می کردند، در 10 سال آینده نمی تواند مانور بدهد. عراق که قدرتمندترین ارتش عربی بود، از هم پاشیده و سایر کشورهای بزرگ نیز با بحران دست و پنجه نرم می کنند. در این میان آمریکا قصد معامله با ایران و برداشتن تحریم ها را دارد. حرف اصلی حضار عرب جلسه این بود که ایران با نهایت تحریم ها و فشارهای بین المللی در یک دهه اخیر، هژمونی منطقه است و دارد منطقه را در دستش می گیرد؛ پس وای به حال روزی که این تحریم ها برداشته شود و ایران قطعاً به قدرت بلامنازع تبدیل می شود.

پاسخ من به آنها این بود که شما (اعراب) اصولاً استراتژی ایران را نمی فهمید و دلیل این نگاه نیز همین است. شما صحبت از تجاوز و هژمونی ایران می کنید ظاهراً فراموش کرده اید که شما عربها پس از انقلاب به ایران تجاوز کردید. مثل اینکه پادتان رفته که عراق وارد ایران شد، مثل اینکه پادتان رفته شما، کشورهای حاشیه خلیج فارس اعم از امارات و کویت و سایر کشورها 100 میلیارد دلار برای این جنگ دادید. مثل اینکه پادتان رفته که شما دنیاال تجزیه ایران بودند و نه حتی تغییر رژیم.

جالب است بدانید که یکی از همین عربهای حاضر در جلسه به من گفت: Yes, Because Iran is too big and powerful یعنی ایران هم بزرگ است و قدرتمند. من پاسخ دادم منطق شما اینست. شما یک میلیون ایرانی را کشته، زخمی و آواره کردید. شما استفاده صدام از سلاح های شیمیایی را حمایت کردید. شما بعد از جنگ نیز همین سیاست را ادامه دادید و فشار آوردید به آمریکا برای تحریم. آمریکا دنیاال تغییر رژیم بود اما شما از همان اول دنیاال تغییر رژیم و تجزیه ایران بودید.

من به آنها گفتم حال ایرانیها باید در مقابل این سیاست چه کنند؟ باید دست روی دست بگذارد و نگاه کنند؟ محرز است که سیاست منطقه ای ما تغییر می کند. سیاست ایران سیاست دفاعی است و شما باید این مسئله را درک کنید. ایران برای دفاع از خودش این سیاست را در پیش می گیرد. اگر ایران اطمینان حاصل کند که همسایگانش به دنیاال تجزیه و ... نیستند سیاست دیگری را در پیش می گیرد.

فائله یمن تا به کجا ادامه خواهد یافت؟

وقتی در جلسه مذکور درباره یمن بحث شد، من به آنها گفتم که یمن به ویتنام عربستان تبدیل می شود. بزرگترین اشتباهی که عربستان می توانست بکند، یمن بود. عربستان هیچ وقت نمی تواند از یمن خارج شود. اگر عربستان تصور می کند که می تواند با چند حمله هوایی یمن را از پای درآورد و در بروید، اشتباه می کند. یمن ملتی است که عربستان با آنها دعوای تاریخی دارد؛ اینکه عربستان وارد گزینه نظامی شود، دست به کشتار مردم بزند و فرار کند، از این خیرها نیست. من تأکید کردم که عربستان، کلید بی ثباتی کشورش را با حمله به یمن زد. من به آنها یادآور شدم پیشنهاد وزیر خارجه ایران برای مذاکره با عربستان از سر ضعف نبوده است و این یک پیشنهاد و نظر کارشناسانه در راستای حل بحران منطقه بوده است؛ حال آنکه دشمنان تلاش می کنند با تشویق عربستان بر این آتش بدمند.

"با توجه به اینکه شخص اوپاما تهدیدات اصلی عربستان را بحران داخلی، جوانان و نیاز میرم به اصلاحات داخلی خوانده بود موضع آمریکا در قبال آمریکا را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تصور نمی کنید که آغاز جنگ یمن، تله آمریکایی ها برای سعودی ها بوده است؟ من از سعودیها پرسیدم که چرا به یمن حمله کردید؟ آنها گفتند: ما در منطقه خاورمیانه و جهان عرب تحقیر شدیم. عربستان سعودی برای اعاده حیثیت جهان عرب وارد شد. ما قبلاً تلاش می کردیم که آمریکا را قانع کنیم به سوریه و ایران حمله کند؛ اما آمریکا این کار را نکرد. درباره یمن نیز می دانستیم که آمریکا وارد عمل نمی شود، و عربستان مجبور شد که خودش برای اعاده حیثیتش در جهان عرب وارد عمل شود.

جالب است بدانید که یکی از دیپلماتهای سابق و حاضر در نشست هفته قبل درباره همین سوال به من گفت: نه ساعت قبل از حمله به یمن رایزن نظامی سعودی در واشنگتن به آمریکایی ها خبر داده بود.

من از این دیپلمات سعودی سوال کردم که چرا رییس ستاد نیروهای مسلح آمریکایی گفته بود که ما اصلاً از حمله نظامی عربستان به یمن خبر نداریم. آیا ممکن است که عربستان سعودی بدون اطلاع آمریکا کاری در خاورمیانه بکند؟ او گفت: می شود یا نمی شود قضیه ایران وضعیتی در منطقه ایجاد کرده که روابط ایران- آمریکا و سعودی را نیز تحت تأثیر قرار داده و سعودیها ترجیح دادند که 9 ساعت قبل از حمله به آمریکا اطلاع دهند زیرا ما به آمریکا اعتماد نداریم.

من از سعودی حاضر در جلسه پرسیدم: شما چرا بدون اطلاع آمریکا دست به این حمله نظامی زدید؟ آنها پاسخ دادند: اولاً مطمئن بودیم که آمریکا از ما حمایت می کند و هیچ راهی ندارد. ثانیاً اگر از قبل به آنها اطلاع داده

بودیم، قطعاً با این اقدام مخالفت می‌کردند.

آیا واقعاً آمریکا با حمله به یمن مخالفت می‌کرد؟

بله. ببینید، اروپا و آمریکا به خوبی می‌دانند دود وضعیت بحرانی خاورمیانه به چشم خود آنها می‌رود. اینکه رسماً می‌گویند که داعش تهدید ثبات و امنیت اروپا و آمریکاست؛ واقعیتی مسلم است. از سوی آمریکا دیگر به نفت منطقه خاورمیانه نیاز ندارد. آمریکا دیگر حاضر نیست خون و پول بدهد تا دیکتاتور را برای نفت نگه دارد. آن دوران تمام شد. اینقدر بحران در خاورمیانه عمیق شده و به هم ریخته که آمریکا دیگر قادر به کنترل آن نیست.

دوم اینکه آمریکا می‌داند که هیچ ابرقدرت دیگری قادر به مدیریت بحران فعلی نیست. نه چین و نه روسیه و نه اروپا. حتی اگر آنها قادر باشند حاضر نیستند که پول و خون برای بحرانهای خاورمیانه بدهند. روسیه تجربه افغانستان را دارد. اروپایی‌ها نیز از همان اول عاقل بودند. آنها حتی مخالف حمله به عراق بودند. اینها می‌دانند که ریشه تروریسم در درون متحدان آمریکاست. بایدن در هاروارد نیز به همین مسئله اشاره کرد. گفت مشکل اصلی ما متحدان خود ما هستند که پول و اسلحه به تروریست‌ها می‌دهند. آمریکا می‌داند که دامنه بی‌ثباتی اگر به آمریکا و اروپا برسد، سایر کشورها را نیز گرفتار می‌کند، ترکیه بی‌ثبات می‌شود. در واقع دومینوار همه کشورها را گرفتار می‌کند.

در واقع تصور می‌کنید یکی از دلایل وارد کردن ایران به روند مذاکرات همین است؟

آنها وقتی از بالا به خاورمیانه نگاه می‌کنند، می‌بینند عملاً دو قدرت باثبات وجود دارد: ایران و ترکیه. در مقطعی ترکیه در اوج بود و می‌گفتند پایگاه ناتوست؛ اما بعد از روی کار آمدن اردوغان فهمیدند که او نیز خیلی منافع غرب را تأمین نمی‌کند. ترکیه از حماس، جبهه النصره و داعش و اخوان المسلمین حمایت می‌کند. در جلسه‌ای بودم و یک آمریکایی خطاب به یک ترک گفت: شماها که خیلی انقلابی‌تر از ایران هستید. شما از داعش حمایت می‌کنید و از النصره و حماس!

برای بهبود روابط با عربستان باید چه کرد؟

اعتقاد سیاسی من اینست که این روند تنش با عربستان و کشورهای منطقه به نفع ما نیست. حتی اگر در کوتاه مدت عربستان در یمن شکست بخورد. شکست عربستان در یمن- که اتفاق هم خواهد افتاد- اصولاً بی‌ثباتی را دامن می‌زند.

اولاً در سطح بالا باید بنشینیم با سعودیها صحبت کنیم. آنها مشکلات شان را بگویند و ما نیز مشکلاتمان را با آنها مطرح کنیم.

ثانیاً به طرف مقابل اطمینان بدهیم که حاضریم نگرانی‌های همدیگر را برطرف کنیم.

ثالثاً دربارهٔ خلأ موجود در منطقه مذاکره کنیم. در حال حاضر همه کشورهای منطقه با هم اختلاف دارند؛ در واقع میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز اختلاف کم نیست. با بلیشوی که در حال حاضر در خلیج فارس مطرح است، اصولاً ثبات معنایی ندارد. باید برای ایجاد سیستم همکاری‌های خلیج فارس با کشورهای عربی و قدرتهای جهانی از جمله آمریکا بنشینیم و مذاکره کنیم.

باید تلاش کنیم که بازی نخوریم. در بازی آنها وارد گزینه نظامی نشویم. باید بدانید که سیستم‌های اطلاعاتی اسرائیل و عربستان با تمام قدرت در حال کار کردن هستند تا یک صحنه‌ای را به وجود بیاورند و ما را در موضع واکنش قرار بدهند و وارد گزینه نظامی بشویم. باید حواسمان باشد که وارد این بازی نظامی نشویم. خیلی باید صبور باشیم و اگر بحرانی هست باید با عقل و صبر مدیریت کنیم. عربستان در یمن وارد باتلاقی شده و ما نباید وارد همان باتلاق شویم.

الگوی اروپایی را نگاه کنید؛ دو جنگ جهانی را آلمانها در اروپا به راه انداختند و به رغم گستردگی اختلافات همه با هم متحد شدند، محدودیت اقتصادی و تجاری ندارند، در مباحث امنیتی یکی هستند. از کجا شروع کردند؟ قریب 40 سال است که اروپا بر روی این مسئله کار می‌کند. ما به 40 سال نیاز نداریم چون هیچکدام از کشورهای منطقه جنگ جهانی نداشتند؛ 10 سال برای ساختن سیستم همکاریهای منطقه‌ای کافی است. این مسئله اساس و پایه و فریم ورک می‌خواهد.

این مسئله نیازمند فعالیت زیاد و جدی است. در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی من به ملاقات ملک عبدالله رفتم چهار شب با او از شب تا صبح مذاکره کردم، توافق کردیم، چهارچوب تعیین کردیم؛ حتی در سالهای اول ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد وضعیت خوب بود، اما دوباره به هم ریخت.

پس چه زمانی می‌شود با سعودیها مذاکره کرد؟

عربستان تلاش می کند در منطقه چند برد بدست بیاورد و تا اندازه ای بالانس بشود در نهایت پای میز مذاکره بیاید. سعودیها در عراق، لبنان، افغانستان و سوریه باختند، الان اگر پشت میز مذاکره هم بیاید میخواید درباره چه مسائلی با ایران گفتگو کند؟ آنهم در حالیکه کفه آنها پایین است. حمله سعودی به یمن نیز به مثابه ایجاد حیثیت، برد و پرستیژی است که می خواهد بدست بیاورد و بعد پشت میز بیاید و من فکر می کنم که البته متأسفانه همین حمله وضعیت را بدتر



خواهد کرد. تصور من اینست که این حمله اشتباه بزرگتری از سوی عربستان بود.

بحرینهای داخلی عربستان تا چه اندازه می تواند موجودیت نظام را به خطر بیندازد؟

واقعیت اینست که داخل عربستان وضعیت شکننده و سستی حکمفرماست. روابط اعضای شورای همکاری خلیج فارس با هم سست است در واقع در بدترین دوران تاریخی به سر می برد. عمان حتی تهدید کرده که از شورا خارج می شود. از سوی دیگر اتحادیه عرب فروپاشیده. به علاوه ساختار حکومتی عربستان فاجعه است. همین تحولات داخل عربستان را نگاه کنید. این مسئله به خوبی نشان می دهد که عربستان تا چه اندازه بی ثبات است. قطعاً این سیگنال ها را سایرین نیز دریافت کرده اند. به یک معنا می توان گفت که آمریکایی ها و اروپایی ها هیچکدام به آینده عربستان اعتماد ندارند. آنها معتقدند که وضعیت و ساختار سیاسی عربستان شکننده و آسیب پذیر است و اصلاً نمی تواند ادامه پیدا کنند. وضعیت منطقه آنقدر سخت و پیچیده است که آمریکا در حال حاضر نمی تواند دست به تغییر بزند. برای اینکه احتمال می دهد همین چیزهایی که در دست دارد نیز از دست بدهد.

احتمال تجزیه عربستان هست؟

من احتمال آن در کوتاه مدت را نمی بینم. اما ریسک تنش های داخلی جدی است. به چند دلیل:

* نوع حکومت عربستان

* جمعیت جوانان

* نابرابری که علیه جمعیت شیعه صورت می گیرد.

* ورود به جنگ یمن: هم اکنون مرزهای عربستان و یمن بسیار شکننده است و این مسئله ادامه دار خواهد بود. * میلیونها یمنی در داخل عربستان حضور دارند. تعداد یمنی هایی که عضو ارتش عربستان هستند، خیلی زیاد است. درصد افراد یمن الاصل ارتش عربستان و مقیم بیش از آنچه که تصور کنید زیاد است؛ آمار که ارائه می شود بین 30 تا 40% است.

یکی از آمارهایی که در یکی از روزنامه های معتبر آمریکایی خواندم، چهار میلیون یمنی در عربستان هستند.

کمی به سیاستهای منطقه ای آمریکا و نقش آنها در منطقه بپردازیم. متعاقب تحولات منطقه آیا می توان گفت که اسرائیل دیگر اولویت اول آمریکا نیست؟ آیا این مسئله صرفاً در دوره اوباما تعریف می شود و یا اینکه آمریکایی ها اصولاً به این مسیر افتاده اند که دیگر همه تخم مرغ هایشان را در سبد اسرائیل نگذارند؟

اسرائیل هنوز جزء منافع حیاتی و استراتژیک آمریکاست. اما آمریکا بعد از بی نیاری از نفت و گاز اصولاً صرف هزینه های تریلیون دلاری در خلیج فارس را دیگر نمی تواند تحمل کند؛ نه اینکه نخواهد بلکه بوجه آمریکا در وضعیتی است که اگر یک جمهوریخواه هم روی کار بیاید نمی تواند وضعیت موجود را تحمل کند.

آمریکا میخواید طرف یک دهه اخیر از خاورمیانه بیرون برود و هزینه ها را کم کند. این جزء منافع حیاتی آمریکاست. اسرائیل و عربستان و خیلی از کشورهای پر سر و صدای عربی موجودیت حکومت های خود را در حضور و بقای نظامی آمریکا در منطقه و دشمنی به نام ایران می بینند. اگر این دشمن برداشته شود و آمریکا برود اتوماتیک وار این کشورها دچار کولپس می شوند.

بنابراین اسرائیل و سایر کشورها اگر زور می زنند برای بقای حضور آمریکا در منطقه است. تهدید اصلی برای آنها عادی شدن روابط ایران و آمریکاست. حتی آمریکایی ها نیز این واقعیت را درک کرده اند که سعودیها درباره ایران اعتراف کرده اند و در حال حاضر بیشتر به مسئله حمایت عربستان از تروریسم می پردازند. در واقع پیام غیرمستقیم آمریکا به سعودیها این بوده که دوران گول زدن آمریکا تمام شده و آمریکا می خواهد به سعودی بگوید که ما می دانیم می خواهید پای آمریکا را وسط بکشید اما دیگر آن دوران تمام شده است. وقتی عربستان به یمن حمله کرد، آمریکا حمایت کرد اما در عین حال آمریکایی ها گفتند که اطلاع نداشتند و صراحتاً اعلام کردند که که تصمیم بدی بود.

آمریکا در شرایطی قرار گرفته که بین منافع حیاتی و ملی خودش و

روند تنش با عربستان و

کشورهای منطقه به نفع ما نیست.

حتی اگر در کوتاه مدت عربستان در

یمن شکست بخورد. شکست

عربستان در یمن- که اتفاق هم

خواهد افتاد- اصولاً بی ثباتی را دامن

می زند. در سطح بالا باید بنشینیم با

سعودیها صحبت کنیم. به طرف مقابل

اطمینان بدهیم که حاضریم نگرانی

های همدیگر را برطرف کنیم. از

بین منافع حیاتی اسرائیل باید یکی را انتخاب کند؛ قطعاً منافع ملی خودش را انتخاب می‌کند.

مصادیق این صحبت شما چیست؟

زوری که اواما و کری برای گزینه راه حل تشکیل دو دولت در اراضی اشغالی زدند برای این بود که اسرائیل دیگر بهانه ای نداشته باشد تا میلیارد دلاری از آمریکا پول و تجهیزات نظامی بگیرد. مشکل اصلی اسرائیل، اعراب و فلسطین است. کری به همین اندازه که برای مذاکرات هسته ای زمان گذاشت، برای مذاکرات فلسطینی - اسرائیلی هم وقت گذاشت و شکست خورد. دلیلش این بود که هر دو، دست هم را خوانده بودند. نتانیاهو می‌دانست که اگر گزینه دو دولت شکل بگیرد، دیگر نمی‌تواند از آمریکا چیزی دریافت کند. آمریکا هیچ زمانی تا این اندازه فشار نیاورده بود. پروسه صلح را در روند تاریخی بررسی کنید. آمریکا هیچ وقت با این میزان جدیت به دنبال گزینه تشکیل دو دولت نبوده است.

به اعتقاد من چالش جدید در سیاست آمریکا و اسرائیل شروع شده و پایان آن معلوم نیست. اشتباه بزرگی که نتانیاهو کرد و این چالش را پررنگتر کرد، سخنرانی در کنگره آمریکا بود. خیلی اشتباه کرد. برای اینکه آمریکایی‌ها احساس کردند که نخست وزیر یک کشور دیگر آمده و دارد به آنها سیاست را دیکته می‌کند. این مسئله آمریکایی‌ها را ناراحت کرد و دیدید که چقدر علیه نتانیاهو موضع گرفتند و نوشتند. الان فضای عمومی آمریکا به سمت گزینه تشکیل دو دولت است. در حال حاضر همه نتانیاهو را مقصر می‌دانند. عمق تنفیری که اواما و نتانیاهو از هم دارند، غیرقابل تصور و غیرقابل باور است.

با تمام شدن دوره ریاست جمهوری اواما وضعیت تغییر خواهد کرد؟

اواما شخص نیست. حاکمیت آمریکا دو گانه شده اند و بعد از اواما نیز این روند ادامه خواهد داشت. برخی از جمهوریخواهان از اواما حمایت کردند از جیمز بیکر گرفته تا چاک هیگل و ریچاد هاس، هادلی مشاور بوش، نیکلاس برنز. اینها رسماً از توافق هسته ای حمایت کردند. اصولاً بحث جمهوریخواه و دمکرات نیست. در واقع دمکراتها و جمهوریخواهان دو دسته شده اند. اما ترکیب اواما - کری در ده سال آینده تکرار شدنی نیست. این مسئله مهمی است که ایران باید متوجه آن باشد. واقعاً باید فرصت را برای تقویت حاکمیتی که به دنبال تعامل با ایران است، مغتنم شمرد. منظورم دو شخص نیست.

شما پیش بینی می‌کنید که این وضعیت پس از اواما نیز ادامه دار باشد؟

بله این دو دستگی در آمریکا ادامه خواهد داشت. از سویی کشورهای عربی که پایگاه مردمی ندارند ضامن بقایشان حضور نظامی آمریکا است. توافق هسته ای و به دنبال آن بهبود روابط ایران و آمریکا را مهمترین تهدید می‌دانند. به خاطر همین با تمام قدرت با آن مبارزه می‌کنند و این دعوا در داخل آمریکا ادامه پیدا خواهد کرد.

4952

کلید واژه ها: حسین موسویان - مذاکرات هسته ایران با 5 بعلاوه 1 - ایران و عربستان - عربستان -



گوشی فوق العاده تمیزه هیچ خط و خشی نداره بهشت و ج...

قیمت : 850,000 تومان

سلام .کاملا سالم بدون خط و خش ..مدل 650 سری ti..با ...

قیمت : 400,000 تومان



اینترنتی آموزش ببینید



Safari Power Saver
Click to Start Flash Plugin

حوصلتون سر رفته؟

سایه‌سازان مهرگستر

مطالب مرتبط

توهین و فریادهای تحلیگر سعودی در مناظره با دکتر مرندي
 اشتباهات پادشاه جدید عربستان به روایت یک سایت عربی
 یک نماینده مجلس: ظریف ساقدوش نمی خواهد
 نظر عضو کمیسیون امنیت ملی درباره عاقبت طرح سه فوریتی برای توقف مذاکرات هسته ای
 عربستان تلویزیون الیمن الیوم را بمباران کرد
 سلاح ممنوعه بر سر کودکان یمن/ دیدن این تصاویر به همه توصیه نمی‌شود
 وزیر انرژی آمریکا: معامله خوبی با ایران خواهیم داشت
 تدارک اعراب برای تجاوز زمینی به یمن/ شهرهای شیعه‌نشین مناطق جنگی اعلام شدند
 العربیه: کری در دیدار با وزرای خارجه شورای همکاری از توافق با ایران دفاع کرد
 آتش‌بس در یمن از سه‌شنبه آغاز می‌شود
 پلیس گشت ریاض به ضرب گلوله کشته شد
 سنای آمریکا طرح نظارت بر توافق هسته‌ای با ایران را تصویب کرد
 وزیر خارجه عربستان از آتش‌بس موقت در یمن خبر داد/ مشروح کنفرانس خبری کری و عادل الجبیر
 توافق هسته ای می تواند ایران را به قدرت اول انرژی در منطقه تبدیل کند
 کدام تحریم‌ها در توافق لغو می‌شود؟/موضع روسها چیست؟/تحلیل کارشناس هسته‌ای درباره زمان تعلیق
 تحریم‌ها
 پاسخ سید حسین موسویان به سناتور تام کاتن

نظرات 14

51	2	پاسخ به این نظر	09:57:31 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	بی نام 	عالی بود. ممنون.
36	3	پاسخ به این نظر	10:31:14 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	بی نام 	به عنوان یک ایرانی بهت افتخار می کنم
17	4	پاسخ به این نظر	10:46:04 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	شهاب 	ولین باره که در رسانه های بعد از سال 57 یک مصاحبه منطقی میبینم
4	13		12:33:16 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	بی نام 	پس شما برو بیشتر مطالعه کن. ما زیاد دیدیم از این مصاحبه ها.
27	1	پاسخ به این نظر	11:19:19 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	م س 	امثال آقای موسویان پتانسیلهای ارزشمندی برای کشورما هستند که باید با برنامه ریزی مناسب والبتنه باحفظ ارزشها و اصول خود هوشمندانه از آنان در جهت منافع ملی کشور استفاده شود
8	1	پاسخ به این نظر	12:16:39 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	امین 	بابا فیلمشو بذارید کی این همه بخونه آخه چقد بدسلیقه ایت
17	2	پاسخ به این نظر	12:26:44 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	مریم 	فوق العاده بود...سلامت باشید آقای موسویان
14	1	پاسخ به این نظر	13:35:03 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	محمد 	عالی بود، امیدوارم همیشه موفق و افتخار خادمی ملت ایران را داشته باشید.
3	1	پاسخ به این نظر	14:13:25 - 1394 - شنبه 19 اردیبهشت	محمد 	ممنون از خبرآنلاین و جناب دکتر موسویان عزیز.

0	2	پاسخ به این نظر	14:30:21 - 1394	شنبه 19 اردیبهشت	م س
میشه بفرمائید چرا بعضی نظرات را نمیذارید؟؟؟					
4	0	پاسخ به این نظر	14:37:14 - 1394	شنبه 19 اردیبهشت	جلال
درد بر موسویان که علیرغم بی مهری ها و تهمت ها، میدان را خالی نکرد و محکم پشت کشورش ایستاد					
1	2	پاسخ به این نظر	14:41:10 - 1394	شنبه 19 اردیبهشت	بی نام
باز هم رستم سازی و حکایت افراط و تفریط					
3	0	پاسخ به این نظر	15:31:42 - 1394	شنبه 19 اردیبهشت	بی نام
اینکه هنوز عقلانیت در روابط خارجه ایران هست جای امیدواری است					
1	0	پاسخ به این نظر	06:11:08 - 1394	دوشنبه 21 اردیبهشت	ایران
خط به خط خوندم و لذت بردم واقعا ممنونم. باید انسان هایی مثل دکتر موسویان رو بخاطر میهن پرستی ستایش کرد با وجود سؤنقاهمات بوجود آمده ایشان نشان دادند که به این آب خاک وفا دارند حتی رسانه های غربی تلاش داشتند تا از ایشان و مسائل پیش آمده به نفع خود استفاده کنند ولی با سد محکمی به نام میهن پرستی دکتر موسویان روبرو شدند و ایشان همیشه در مقابل زیاده خواهی و بی احترامی غربی ها به ملت ایران ایستادند و همیشه باهوش و قدرت دیپلماسی خود و در کمال احترام جواب دندان شکنی به آنها دادند که این باعث افتخار ملت ایران است که حسین موسویان فرزند این آب و خاک است. و در آخر باید بگم که جناب آقای دکتر حسین موسویان جای شما در کنار مغز متفکر دیپلماسی ایران جناب آقای دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه واقعا خالیه.					

ارسال نظر:

نام	<input type="text"/>
پست الکترونیک	<input type="text"/>
آدرس وب سایت و یا وبلاگ	<input type="text"/>
نظر شما 0/700	<input type="text"/>
قوانین ارسال نظر	
ارسال نظر	<input type="button" value="ارسال نظر"/>

آرشیو روزانه نقشه سایت تماس با ما

نقل مطالب با ذکر منبع بلا مانع است.
 Copyright © 2011 khabaronline, All rights reserved
 www.dorhost.com